

**Journal iranian political sociology**  
**Vol. 5, No.10, dey 2022**

**<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.289662.1791>**

### **Violation of Barjam and the jurisdiction of the International Court of Justice**

#### **Abstract**

One of the agreements reached by the United States of America, which was formally withdrawn more than two years after its conclusion without any practical commitment, is BARJAM. There are two conflicting views about BARJAM, and the source of each view is The text, form, title, and statements of the parties of the agreement. Over time and in the implementation phase of this document, the capacities and gaps of this document have become more apparent. However, in the view of the International Court of Justice, the name, title and form of the agreement do not interfere with the process of invoking it. The United States has effectively violated the UN Security Council (UNSC) by imposing new sanctions after the UN Security Council and extending the previous sanctions (ISA), following which Iran has filed a lawsuit with the Court alleging violation of the Treaty of Amity (1955) between Iran and the United States. However, considering the unilateral withdrawal of the United States from BARJAM, it remains to be seen whether it is possible to file a lawsuit with the Court or not? This is not possible in the text of BARJAM, but considering the nature of BARJAM, it does not seem unlikely to refer to the Court. The Court may not have overlooked the United states political accountability plan.

Keywords: the united states ,International Court of Justice, Convention ,Barjam ,International responsibility

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،  
 سال پنجم، شماره ده، دی ۱۴۰۱، صص ۳۰۷۴-۳۰۸۵  
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.289662.1791>

### نقض برجام و صلاحیت رسیدگی دیوان بین الملل دادگستری

حبیب نوری<sup>۱</sup>

عباسعلی کدخدایی<sup>۲</sup>

جعفر زنگنه شهرکی<sup>۳</sup>

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

ازجمله توافقنامه هایی که دولت آمریکا منعقد کرده و پس از انعقاد بدون آن که التزام عملی بدان داشته باشد باگذشت بیش از دو سال از امضای آن، رسماً از آن خارج شد، برنامه اقدام مشترک است. در باره برجام دو رویکرد متضاد مطرح است و خاستگاه هر کدام محتوا، شکل، عنوان، و اظهارات شفاهی طرفین توافق در باره آن است. با گذشت زمان و در مرحله اجرای این سند ظرفیت ها و خلا های این سند بیشتر نمایان شده است. هرچند از نظر دیوان بین المللی دادگستری نیز نام و عنوان و شکل توافق، خللی در روند استناد به آن وارد نمی کند. ایالات متحده با اعمال تحریم های جدید و تمدید تحریم های سابق (آیسا) پس از امضای برجام عملاً این توافق را زیر پا گذاشت و متعاقب آن ایران برای احقاق حقوق تضييع شده مطابق عهدنامه مودت (۱۹۵۵) بین ایران و آمریکا از دیوان بین المللی دادگستری نظلم خواهی کرد. اما با توجه به خروج یکجانبه آمریکا از برنامه اقدام مشترک، باید دید آیا امکان طرح دعوی نزد دیوان وجود دارد یا خیر؟ در متن برنامه اقدام مشترک چنین امکانی پیش بینی نشده است، اما با تعیین ماهیت برنامه اقدام مشترک امکان رجوع به دیوان بعید به نظر نمی رسد. حتی اگر رجوع به دیوان ممکن نباشد نباید از طرح مسئولیت سیاسی دولت آمریکا غافل شد. این نوشتار ضمن بررسی محتوای برجام و تحلیل ادله حقوقدانان در پی امکان سنجی طرح مسئولیت ایالات متحده نزد دیوان بین المللی دادگستری است.

کلید واژه: دولت آمریکا، دیوان بین المللی دادگستری، معاهده، برنامه اقدام مشترک، مسئولیت بین المللی.

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران<sup>۱</sup>

استاد گروه حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران.<sup>۲</sup>

دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران<sup>۳</sup>

برنامه هسته ای ایران اواخر دهه ۵۰ میلادی با مساعدت دولت آمریکا تحت عنوان «اتم برای صلح» بنیان گذاری شد. اما با تحولات در عرصه سیاسی ایران و تقابل با سیاست های سلطه طلبانه آمریکا، این کشور یکی از مخالفان اصلی این برنامه شد. طی سال ها مذاکره در باره برنامه هسته ای ایران، در نهایت در سال ۱۳۹۴ کشور های ۱+۵ به عنوان نمایندگان جامعه جهانی در باره موضوع هسته ای به توافقی موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافتند. برجام مهم ترین توافق حقوقی قرن بیست و یکم در زمینه علوم و فناوری هسته ای تلقی می شود. در باره ماهیت این توافق بین حقوق دانان و مقامات دولتی توافق نظری نمی توان یافت. اما با خروج یک جانبه آمریکا از این توافق بدون آن که مراحل و ترتیبات مقرر در برنامه اقدام مشترک را طی کند مرحله جدیدی از مناسبات بین المللی شروع شد. از طرفی ایالات متحده اقدام به اعمال تحریم های جدید علیه ایران کرد و از طرفی تحریم های ثانویه بر کشورها و شرکت های طرف معامله ایران وضع کرد و در واقع ایران را در محاصره اقتصادی قرار داد. اکنون زمان آن است که حقوقدانان بین المللی و صاحب نظران روابط بین المللی این وقایع را با دقت نظر تحلیل کنند و روابط بین کشورها را با این یک جانبه گرایی ارزیابی نمایند.

اما ایران در قبال این رفتار آمریکا جهت اعمال تحریم های جدید اقدام به طرح شکایت نزد دیوان بین المللی دادگستری نموده است و دیوان نیز صلاحیت خود را احراز نموده است و قرار موقت نیز صادر نموده است. اما در باره خروج یک جانبه آمریکا از برنامه اقدام مشترک هنوز اقدام موثری انجام نشده است. باید بررسی کرد که آیا دیوان صلاحیت ورود به دعوی ایران در باره خروج یکجانبه ایالات متحده را دارد یا خیر؟ در این مقاله تلاش شده ابتدا ماهیت برنامه اقدام مشترک بررسی شود و سپس به مبانی صلاحیتی دیوان پرداخته شود.

### ادله مخالفان معاهده بودن برنامه اقدام مشترک

الف) قصد طرفین برنامه اقدام مشترک الزام طرفین بر این تعهدات نبوده و این قصد را از مذاکرات و عبارات گنجانده شده در متن توافق می توان احراز کرد. (Klabbers, 1981; 16)

ب) امضا نشدن برنامه اقدام مشترک از سوی طرفین آن؛ چرا که عدم امضا یکی از اشکال اعلام عدم رضایت به التزام در قبال معاهدات است (ملا کریمی، ۱۳۹۵: ۵۹).

ج) پیش بینی فرایند جدید حل اختلاف در برجام؛ شیوه حل اختلافات در برجام با روش های حقوقی و سیاسی مرسوم حل و فصل اختلافات مغایرت دارد (Mardani, 2016; 83).

د) فقدان تعیین امین در متن برنامه اقدام مشترک؛ در حالی که هر معاهده ای باید امین داشته باشد و اسناد معاهده نزد او تودیع شده باشد (ملا کریمی، ۱۳۵۹: ۵۹).

ه) عدم تعیین روند تصویب در برنامه اقدام مشترک (ملا کریمی، ۱۳۹۵: ۶۰).

و) دیدگاه مقامات دولت آمریکا و ایران در باره برنامه اقدام مشترک: مقامات آمریکایی به طور رسمی در جلسات استماع و مکاتباتشان برنامه اقدام مشترک را تعهدی سیاسی می دانستند.

ز) تصویب برجام توسط شورای عالی امنیت ملی ایران؛ علیرغم این که تصویب چنین تعهداتی طبق قانون اساسی ایران خارج از دایره صلاحیت این شورا است (خلیلی نژاد، ۱۳۹۴، ۲۶۳).

با توجه به این ادله، برنامه اقدام مشترک را موافقت نامه نزاکتی یا اخلاقی یا سیاسی می دانند که در کنار توافق نامه های حقوقی الزام آور<sup>۱</sup>، دولت ها اقدام به انعقاد آن می کنند. نقض تعهدات مندرج در توافق های بین المللی نزاکتی منجر به مسوولیت بین المللی دولت ناقض نمی شود و طرح دعوی در باره مسوولیت نقض این توافق ها امکان پذیر نمی باشد. (fiedler, 1981: 106)

#### ارتباط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت با برنامه اقدام مشترک

برای دستیابی به رویکرد جامعی از حقیقت برجام، لزوماً به ارتباط بین برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد پرداخته می شود. از یک جهت می توان گفت هر کدام از قطعنامه و برنامه اقدام مشترک سند مستقل و ماهیت متفاوتی دارند. موید این نکته بند ۱۸ متن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است که صریحاً در پانوش متن تأکید کرده: «مفاد این قطعنامه به منزله مفاد این برنامه اقدام مشترک نیست»<sup>۲</sup>، اگر چه برجام یکی از ضمایم قطعنامه شورای امنیت است و ضرورت تصویب قطعنامه صریحاً در برجام آمده است، اما تکالیف و تعهدات مندرج در قطعنامه، صرفاً تعهدات مذکور در برجام نبوده و مشتمل بر موضوعات دیگری نیز هست (فتاحی زفر قندی، ۱۳۹۴: ۱۲). دولت های ۱+۵ از طریق تصویب قطعنامه، متعهد شدند که قطعنامه های تحریمی صادره قبلی را به طور عملی خاتمه دهند. لذا از این جهت قطعنامه ساز و کاری برای اجرای تعهدات مندرج در برجام است که بر عهده دولتهای ۱+۵ گذاشته شده است.

البته ذیل بند (a) بند ۷، اختتام قطعنامه های سابق اعلام و در بند ۸ پایان مقررات قطعنامه ۲۲۳۱ چنین آمده است: «مشروط به این که در این دوره ۱۰ ساله تحریم ها بر نگردد، پرونده جمهوری اسلامی ایران برای همیشه از دستور کار شورای امنیت خارج خواهد شد (ملا کریمی، ۱۳۹۵: ۶۷)». قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت یکی از اسنادی است که طرفین موافق و مخالف جهت تأیید نظر خود آن را مستمسک قرار داده اند. این قطعنامه جهت تحکیم پایه های عملی و ضمانت اجرایی برنامه اقدام مشترک در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۹۴ تصویب شده و از دولت های امضا کننده برنامه اقدام مشترک خواست تا در اجرای تعهدات خود کوشا باشند. در این مسیر از همان ابتدا اقداماتی مبتنی بر عدم حسن نیت از جانب طرف های غربی مخصوصاً آمریکا انجام شد که به طور مکرر مورد اعتراض مقامات ایرانی قرار گرفت. این اقدامات عبارت بود از: تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم های ضد ایرانی (آیسا) توسط مجلس نمایندگان آمریکا در

توافق نامه های نزاکتی توافق هایی است که میان تابعان حقوق بین الملل منعقد شده و طرفین به دنبال ایجاد تعهد سیاسی و اخلاقی و نه تعهد حقوقی بین المللی اند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۹۰)

توافق حقوقی بین المللی هر گونه توافقی است که میان تابعان حقوق بین المللی جهت ایجاد آثار حقوقی معین طبق قواعد حقوق (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۹۰)

<sup>۲</sup> بین الملل منعقد می شود

<sup>۳</sup> the provisions of this resolution do not constitute provision of this jcpoa.

۸ دسامبر ۲۰۱۵ (۷ آذر ۱۳۹۴)، اقداماتی متضمن اعمال محدودیت های جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشور های ثالثی که به ایران رفت و آمد دارند. اقدامات مذکور هیچ گونه سنخیتی با حسن اجرای این توافق نداشته و مورد شکایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. دولت آمریکا در دوره باراک اوباما به طور بر پایبندی به برنامه اقدام مشترک تاکید می کرد. پس از اوباما، ترامپ با اعمال تضيیقات و تحریم های متناقض با برجام، سعی کرد جایگاه برجام که با انضمام به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ضمانت اجرا و جنبه الزام آور به خود گرفته بود را تا حد توافقی دوجانبه بین ایران و آمریکا تنزل داده و متعاقبا به صورت یکجانبه این توافق را فسخ کرد (دلخوش، ۱۳۹۶:۵۴).

### تعهدات بین المللی طرف های برنامه اقدام مشترک

روشن شدن جایگاه و ویژگی حقوقی برنامه اقدام مشترک، روشنگر ابعاد حقوقی و الزام آور تعهدات موجود در آن و پیامد های نقض آن از سوی طرف های امضا کننده و طرح مسوولیت بین المللی کشورها خواهد بود.

با توجه به روند فشرده مذاکرات طولانی جهت تصویب این سند می توان استنباط کرد، اساس ماهیت برنامه اقدام مشترک تاکید بر یک "تعهد جامع همکاری" جهت رفع نگرانی های مربوط به فعالیت هسته ای ایران است. لذا می توان گفت اولین اماره حقوقی بودن برنامه اقدام مشترک، تعهد به همکاری است. یکی از شاخصه های اساسی برنامه اقدام مشترک تاکید طرف های امضا کننده آن بر عنصر تعهد است. چنان که در بند ۱۸ بخش "مقدمه و مقررات کلی" برنامه اقدام مشترک، همه طرف ها بر تعهد به همکاری متقابل در خصوص مصارف صلح آمیز انرژی هسته ای تصریح نموده اند. تعهد گاه به صورت تعهد به فعل است و گاه تعهد به ترک فعل. حتی اگر گفته شود که طرفهای دیگر برنامه اقدام مشترک به استثنای ایران، تعهدی در برنامه اقدام مشترک نپذیرفته اند، اما تعهد به ترک فعل داشته اند. تعهداتی همانند عدم استمرار تحریم های سابق و خودداری از اعمال تحریم های جدید علیه ایران.

از طرفی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز در ماده ۷ و ۸ و ۹ بر شمول این قطعنامه تحت فصل هفتم منشور، اختتام هفت قطعنامه تحریمی سابق (۱۹۲۹، ۱۸۳۵، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷، ۱۶۹۶، ۲۲۳۴) را اعلام نمود.

اینکه قطعنامه ۲۲۳۱ براساس ماده ۴۱ منشور (فصل هفتم) تاکید بر خاتمه قطعنامه های هفت گانه فوق دارد، مفهومی این است که چنان که همه کشورها در اجرای قطعنامه های هفت گانه دارای الزام حقوقی ناشی از ماده ۲۵ بودند، اکنون نیز بر همان مبنای الزام آور موظف به خاتمه دادن تمامی تحریم ها علیه ایران می باشند.

لذا اعمال هر نوع تحریم علیه ایران یا اتخاذ هر اقدام تضيیقی که روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها به بهانه موضوع هسته ای ایران را متاثر سازد، مخالف روح برجام و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ محسوب می شود.

با توجه به مطالب مذکور اگرچه نتوان از جهت معاهده بودن برنامه اقدام مشترک، دفاع حقوقی و قضایی برای نقض آن فراهم کرد، اما از جهت نقض اصول منشور می توان مسوولیت ناقضان قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را مطرح کرد.

<sup>۱۲</sup>jcpoa preamble and general provisions:

xii.the EU and E3+3 countries and iran , hn the frameworkof the JCPOA , will cooperate , as appropriate in the field of....

## مولفه های شکلی و ماهوی برنامه اقدام مشترک

### ۱- مکانیسم اجرایی<sup>۱</sup>

در تعهدات حقوقی در فضای حقوق بین الملل از آن جا که اجرای توافق ها مطلوب طرفین است، مکانیسم های اجرا پیش بینی می شود. اما در توافق های سیاسی سرنوشت آن ها به اختیار کامل طرفین گذاشته می شود. در برنامه اقدام مشترک این مولفه وجود دارد و با توافق سیاسی دانستن برنامه اقدام مشترک وجود این مولفه ها قابل توجیه نیست (مراجعه به رای دیوان بین المللی دادگستری در پرونده قطر علیه بحرین).

### ۲- راه های خروج

گنجانیدن شروط فرار یا خروج از توافق یکی از روش های اجرای منفی در توافق ها جهت ارتقای ضریب پایداری طرف ها می باشد. اما لحاظ این مولفه در موافقت نامه های سیاسی لزومی نداشته و درج نمی شود (bookmann & therner, 2002: 20-22).

### ۳- ادبیات موافقت نامه

در توافق های سیاسی مکتوب که عنوان تفاهم نامه (MOU) دارند، جهت تبیین موارد توافق عبارات و افعال خاصی مثل will استفاده می شود و از افعالی همچون shall و must استفاده نمی کنند. همچنین برای اجرایی شدن سند از اصطلاح agreement effective date به جای اصطلاح entry into force استفاده می شود (hollis, 2009: 240).

از این جهت برنامه اقدام مشترک محتاطانه تنظیم شده و نمی توان معنای مخالفی از آن استنباط کرد.

### ۴- نظام حل و فصل اختلافات

فرایند حل و فصل اختلافات از ویژگی های توافقاتی است که پایداری و ثبات آن ها اهمیت دارد به ویژه معاهدات بین المللی. برنامه اقدام مشترک از این جنبه نیز نظامی را پیش بینی کرده که در ماده ۳۶ و ۳۷ گنجانده شده است.

### ۵- شروط نهایی

در معاهدات بین المللی معمولاً شروط نهایی گنجانده می شود. موضوع این شروط نحوه رضایت دولت ها، نحوه لازم الاجرا شدن، زبان معاهده، امین معاهده و حل و فصل اختلافات است. اما در توافقات سیاسی چنین مواردی وجود ندارد (نظیف، ۱۳۹۶: ۱۸۲).

برنامه اقدام مشترک از بیان نحوه اعلام رضایت طرفین به سند حرفی به میان نیاورده است اما در عمل طرفین اصلی (ایران و دولت آمریکا) آن را در مجلس خود به تصویب رساندند (مشابه مقررات اجازه الحاق به معاهدات رسمی) در برنامه اقدام مشترک تعبیری همچون روز پذیرش، روز نهایی شدن، روز اجرا، اقدامات شفاف سازی و نقشه راه استقاده شده که هر کدام برای لازم الاجرا شدن یک معاهده الزامی است. مضاف بر این که پیش بینی آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان ناظر بر اجرای توافق و ارجاع به شورای امنیت نیز تلویحاً به منزله تعیین امین برای برجام محسوب می شود.

<sup>۱</sup>enforcement mechanism / more general compliance procedures.

معاهدات بین المللی قواعدی برای تنظیم رفتار دولت ها و تضمین پابندی رفتار آن ها با آن قواعد است. هر سندی که در صد هنجار مندی بالاتری داشته و خواستار تغییر رفتار دولت ها باشد، بدون توجه به شکل و قالبش، کارکرد حقوقی دارد. اما اسنادی که به دنبال تغییر رفتار دولت ها نیستند کارکرد سیاسی دارند.

## ۷- سازمان

برخی تعهدات، تعهدات آنی هستند که با یک بار انجام آن تکلیف ساقط شده و نیازمند پیش بینی سازماندهی خاصی جهت تضمین آن نیست. اما تضمین اجرای تعهدات مستمر نیازمند طراحی مکانیسمی است که با همکاری طرف های توافق در طول اجرای پروژه، یا حل مساله به طور مشترک، اجرای تعهدات مورد نظر تضمین می شود.

## ۸- الفاظ و مضمون برجام

محتوای برجام حاکی از وجود تعهدات (سیاسی، اقتصادی و...) و ضمانت اجرا های حقوقی می باشد که نمی توان به بهانه لفظ داوطلبانه بودن، آن ها را نادیده گرفت. به علاوه عنوان داوطلبانه بودن نمی تواند الزام مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تصویب هر توافق بین المللی متضمن وصف تعهد و جنبه بین المللی را با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان پذیر می داند، کنار بزند.

سایر نشانه های خارج از برنامه اقدام مشترک که در حال حاضر می توان به آن ها جهت الزام حقوقی داشتن برنامه اقدام مشترک می توان بدان اشاره کرد عبارتند از:

الف) طرح دعوی توسط ایران نزد دیوان بین المللی دادگستری در باره نقض مقررات برنامه اقدام مشترک و صدور قرار موقت به نفع ایران توسط دیوان.

ب) روند خروج ایران از برنامه اقدام مشترک و اعلام دوره زمانی ۶۰ روزه جهت اجرای گام اول خروج و همچنین زمان دو ماهه دیگر جهت برداشتن گام دوم خروج جهت طی کردن روند قانونی خروج از برنامه اقدام مشترک.

ج) اصرار طرف های مقابل مخصوصا دولت آمریکا بر لزوم پابندی یکجانبه ایران به برنامه اقدام مشترک.

با توجه به ادله و امارات مذکور به نظر می رسد بر خلاف اعتقاد آنان که برنامه اقدام مشترک را تعهدی سیاسی و غیر الزام آور می دانند، برنامه اقدام مشترک سندی الزام آور می باشد. لذا در صورت نقض و تخلف از آن می توان به ساز و کار حل و فصل اختلافات مندرج در خود برنامه اقدام مشترک یا سایر مکانیسم های بین المللی حاکم بر نقض معاهدات مراجعه کرد.

## بررسی مسئولیت ایالات متحده آمریکا در پی اعمال تحریم ها علیه ایران

یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی دولت است. طرح مسئولیت زمانی موجه است که تعهدی بین المللی توسط یکی از تابعان حقوق بین الملل نقض شود. بنابراین هر فعل یا ترک فعل متخلفانه بین المللی دولت سبب طرح مسئولیت بین المللی دولت می شود (ابراهیم گل، ۱۳۸۹: ۳).

اعمال تحریم جهت دستیابی به مقاصد سیاسی در طول تاریخ مورد استفاده دولت‌ها بوده است. تحریم یکجانبه اقتصادی اقدامی است که بدون مجوز سازمان ملل از سوی یک یا گروهی از دولت‌ها علیه یک یا چند دولت دیگر به قصد تنبیه و وادار کردن دولت هدف به اتخاذ رفتاری مطابق خواست دولت مجری تحریم انجام می‌گیرد (Cortright, 1995: 7).

### ۱- عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی ۱۹۵۵

عهدنامه مذکور در ۲۳ مرداد ۱۳۲۴، (۱۵ اوت ۱۹۵۵) بین ایران و آمریکا در تهران منعقد شد. این سند ضمن تاکید بر صلح و دوستی میان دو کشور متضمن مقرراتی درباره توسعه بازرگانی میان ایران و آمریکا و تنظیم روابط حقوقی و کنسولی بود (یوسفی، ۱۳۹۱: ۸).

عهدنامه مودت طی ۶۰ سال مهمترین چارچوب در روابط ایران و آمریکا بوده است و همچنان در روابط فیما بین لازم‌الاتباع است. احراز صلاحیت دیوان در دعوی کارمندان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده علیه ایران و همچنین دعوی سکوه‌های نفتی موید تداوم و استمرار آن است. بنا بر این بند های ۲ و ۳ ماده ۲۳ عهدنامه مودت اثبات می‌کند که این سند همچنان در روابط حقوقی طرفین لازم‌الاجراست (شهبازی، ۱۳۹۰: ۵۷-۶۸).

جمهوری اسلامی ایران به استناد نقض تعهدات آمریکا بر اساس عهد نامه مودت ۱۹۵۵ علیه دولت آمریکا که ضمن اعمال مجدد تحریم های اقتصادی توسط این کشور در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ انجام شد شکایتی تسلیم دیوان بین المللی دادگستری کرد. هر چند موضوع این شکایت ربطی به نقض برنامه اقدام مشترک نداشت، اما با توجه به این که اقدامات اتخاذی مغایر مفاد عهدنامه مودت بین دو کشور است، شکایت مزبور انجام شده است. از آن جا که در معاهده مودت آمده: «هر یک از طرفین می توانند اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای این معاهده را به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهند»، ایران نزد دیوان اقامه دعوی نموده است. مبنای شکایت مزبور نقض تعهدات ایالات متحده وفق مواد (۱) ۴، (۱) ۷، (۱) ۸، (۲) ۹، (۱) ۱۰، معاهده مودت روابط اقتصادی و کنسولی بین دولت ایران و آمریکا است که مقرر می‌دارد رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع و شرکت های ایرانی، عدم ایجاد مانع در پرداخت و نقل و انتقالات مالی، آزادی واردات، صادرات و حمل و نقل کالا و آزادی تجارت و کشتیرانی باید مراعات شود.

دیوان بر اساس عهدنامه مودت صلاحیت خود را احراز کرده و قرار موقت صادر نموده و اعلام کرده: «برخی تحریم های ضد ایرانی مرتبط با برخی از حقوق و تعهدات طرفین در عهدنامه مودت است.» همچنین تحریم های آمریکا خسارت اقتصادی به ایران به ویژه در صنعت هوانوردی وارد کرده و به دلیل تحریم ها تهیه غذا و دارو دشوارتر شده و بانک ها مشغول خارج کردن دارایی خود از کسب و کارهای ایران هستند. لذا آمریکا باید طبق معاهده مودت ۱۹۵۵ تمامی موانع ناشی از تحریم های ۱۵ مرداد در مورد صدور دارو، وسایل پزشکی، مواد غذایی و هواپیما قطعات آن و بازرسی های مربوطه به ایران را برداشته و تضمین دهد تا تراکنش های مالی مربوط به این امکان پذیر باشد.



بنا به گفته دکتر جمشید ممتاز حقوق دان برجسته ایرانی و قاضی اختصاصی جمهوری اسلامی ایران نزد دیوان ، قطعنامه ۲۲۳۱ ضمن تایید برجام ، آن را یک واقعیت عینی مرتبط با اختلاف دانسته که تعهداتی را برای همه دولت های عضو ملل متحد از جمله آمریکا ایجاد کرده است.

با توجه به این شکایت و صدور قرار موقت از سوی دیوان می توان انتظار داشت خروج یکجانبه آمریکا از برنامه اقدام مشترک و تمدید تحریم ها و تشدید تحریم های اولیه و ثانویه نیز تخلف محسوب شده و دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارا باشد. از سویی این اعمال آمریکا نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ بوده و از سویی نقض قطعنامه شورای امنیت بوده که به نوعی می تواند از سوی شورای امنیت باید برای رسیدگی به این نقض قطعنامه ، شورای امنیت واکنش نشان دهد.

عهدنامه مودت مذکور در ابتدا برای مدت ۱۰ سال منعقد شد و پس از آن برای مدت نامحدود تمدید شد. این قطعنامه تا زمانی که یکی از طرفین قصد خود را بر خروج از آن اعلام نکرده باشد، استمرار دارد و پس از اعلام قصد خروج از ناحیه یکی از طرفین به مدت یک سال از تاریخ اعلام قصد خروج اعتبار دارد. دولت آمریکا پس از طرح شکایت ایران بر اساس این معاهده قصد خود را برای خروج از این معاهده اعلام نموده است . لذا از عمر معاهده مذکور چند ماهی بیشتر نمانده است و ایران برای طرح دعوی نزد دیوان پس از انقضای مدت مزبور باید به دنبال مستند دیگری باشد.

## ۲-بیانیه الجزایر ۱۳۵۹

این بیانیه مشتمل بر سه سند اصلی بود: بیانیه کلی، بیانیه حل و فصل دعاوی و سند تعهدات.

## ۳-برنامه اقدام مشترک

برنامه اقدام مشترک توافق مشترک مربوط به برنامه هسته ای ایران است که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در وین اتریش بین ایران و گروه ۵+۱ (چین، فرانسه، روسیه، دولت آمریکا ، انگلستان و آلمان) منعقد و منجر به صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد شد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ به طور رسمی به مرحله اجرا درآمد( رضایی پیش رباط ، ۱۳۹۶ : ۷۶).

از آنجا که برنامه اقدام مشترک تمامی عناصر چهارگانه معاهده را بر طبق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین معاهدات دارا می باشد ، لذا به عنوان معاهده تعهدآور است ( www.borna news.ir ).

## خروج یک جانبه آمریکا از معاهده موشک های ضد بالستیک<sup>۱</sup>

معاهده موشک های ضد بالستیک، معاهده ای دوجانبه بین دولت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود که در سال ۱۹۷۲ منعقد شد. جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحده در می ۲۰۰۱ اعلام کرد که دولت وی در راستای دفاع در برابر تهدیدات احتمالی موشکی و جهت تضمین امنیت ملی آمریکا کاملاً مصمم است. لذا موافقت خود را برای خروج از هرگونه تعهد بین المللی که فراروی این وضعیت بود ، اعلام کرد. وی ادامه داد که باید از پشت محدودیت های معاهده موشک های ضد بالستیک که رابطه ای بر اساس بی اعتمادی و آسیب پذیری متقابل (با اتحاد جماهیر شوروی سابق) را دائمی می سازد، خارج شد. در نهایت در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ با ارسال

<sup>۱</sup> - Anti-ballistic missile (ABM).

یادداشت دیپلماتیک به روسیه، اوکراین و بلاروس با اعمال ماده ۱۵ ای.بی.ام. خروج خود را از آن اعلام کرد (کدخدایی، ساعد، ۱۳۸۲ : ۱۹۴).

در ماده ۱۵ معاهده مذکور آمده است: مدت معاهده موشک‌های ضد بالستیک نامحدود است، اما هر طرف در راستای اعمال حاکمیت ملی خود حق خواهد داشت در صورتی که وقایع فوق‌العاده‌ای در خصوص موضوع معاهده، منافع ملی وی را به خطر اندازد، از آن خارج شود.

مقررده مذکور مبهم بوده و طرفهای معاهده مجازند به طور یکجانبه در باره وجود شرایط خروج، تصمیم‌گیری نمایند. مشابه این ماده در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بند ۱ ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «اگر یکی از طرف‌های معاهده تشخیص دهد که حادثی فوق‌العاده مربوط به موضوع این معاهده، منافع عالی‌اش را به خطر انداخته است، حق خواهد داشت در اعمال حق حاکمیت ملی خود از این معاهده کناره‌گیری نماید. طرف مذکور باید سه ماه قبل از کناره‌گیری تصمیم خود را به کلیه دولت‌های طرف معاهده و شورای امنیت اعلام نماید!»

کره شمالی که یکی از اعضای این معاهده بود هنگامی که قصد خود را بر خروج از این معاهده اعلام کرد. سه دولت شدیداً به آن اعتراض کرده و ادله استنادی کره شمالی را (حوادث فوق‌العاده) مربوط به موضوع معاهده به مفهومی که در ماده ۱۰ معاهده مذکور آمده، ندانستند و شورای امنیت به شکلی خارج از فصل هفتم منشور از کره شمالی خواست در باره اعلام خروج خود تجدید نظر نماید و کره شمالی نیز با عمل به توصیه‌های شورای امنیت تجدید نظر نمود (کدخدایی، ساعد، ۱۳۸۲ : ۲۰۲).

با توجه به این که اقدام کره اقدامی خطرآفرین برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده بود، شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه ۸۲۵ و کره شمالی را توصیه به تجدید نظر در باره خروج از معاهده مذکور نمود. به نظر می‌رسد تا زمانیکه خروج از معاهده خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی نداشته باشد، شورای امنیت صلاحیت مداخله ندارد.

با توجه به این که در معاهده ABM تنها تغییر اوضاع و احوال رخ داده تجزیه و فروپاشی شوروی بوده که اوایل دهه ۱۹۹۲ رخ داده است ولی آمریکا با وجود استمرار تعهدات آن از تاریخ فروپاشی تا سال ۲۰۰۱، برای استیفای حق ادعایی خود اقدام نکرده است و پس از ۱۰ سال از وقوع تغییر، چنین حقی ساقط شده است (کدخدایی، ساعد، ۱۳۸۲ : ۲۰۵).

از نکات فوق می‌توان نتیجه گرفت هرچند تشخیص عناصر ماده ۱۵ معاهده ABM توسط یک طرف معاهده انجام می‌شود، اما طرف مقابل حق اعتراض دارد و در نهایت به دلیل وقوع اختلاف در تفسیر و اجرای معاهده می‌توان از مراجع قضایی و داوری بین‌المللی کسب تکلیف کرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - [WWW.un.org/deps/ddd/WMD/treaty/index.html71](http://WWW.un.org/deps/ddd/WMD/treaty/index.html71).

<sup>۲</sup> - شدت اعتراض جامعه بین‌المللی به اقدام یک دولت بر اساس ماده ۱۵ معاهده ABM، ملاکی جهت احراز عدم مشروعیت حقوقی اقدام آن دولت است و رویه دولت‌ها منبع مهم حقوق بین‌الملل است هرچند در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیامده است.

با توجه به ماهیت و محتوای برجام و اسناد ضمیمه و اظهارات طرف های برجام، این سند دارای بار حقوقی الزام آور است. رویه دیوان بین المللی دادگستری در باره اسناد مشابه نشان می دهد عنوان سند نزد دیوان اهمیتی ندارد و آن چه دارای اهمیت می باشد محتوای سند است که می تواند موجب آثار باشد. چنان که شورای امنیت در قضیه خروج یکجانبه کره شمالی از معاهده منع سلاح های هسته ای ، خروج کره را اقدامی تهدید کننده علیه صلح و امنیت بین المللی دانست و اقدام به صدور قطعنامه کرد، در قضیه برنامه اقدام مشترک که از نظر موضوع و ماهیت دقیقاً مشابه معاهده منع سلاح های هسته ای بود و دستیابی به این توافق پس از صدور چندین قطعنامه بر اساس فصل هفتم منشور بوده، انتظار می رفت شورای امنیت به وظیفه قانونی خود بر اساس منشور ملل متحد عمل نماید و اقدام به صدور قطعنامه علیه آمریکا نموده و دولت آمریکا را نه فقط توصیه، بلکه الزام به پایبند ماندن بر این توافق نماید. همچنین هنگامی که ایالات متحده با تمدید تحریم های داماتو که مورد اعتراض ایران قرار گرفت، اقدام به نقض روح برنامه اقدام مشترک نمود از شورای امنیت انتظار می رفت مطابق ماده ۳۳ منشور در راستای حل و فصل این اختلاف توصیه به اقامه دعوی نزد دیوان بین المللی دادگستری نماید ،

هر چند عهدنامه مودت بهترین مستمسک برای اقامه دعوی علیه اقدامات آمریکا علیه ایران و احراز صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری بود، اما با اعلام خروج دولت آمریکا پس از طرح دعوی اخیر نزد دیوان، برای تخلفات آتی و تضییع حقوق ایران از ناحیه آمریکا ، سندی جهت احراز صلاحیت دیوان و طرح دعوی نزد دیوان امکان پذیر نمی باشد. اما بیانیه الجزایر هرچند مورد توافق طرفین است، ولی با این بیانیه نمی توان مبنایی برای صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری اقامه کرد. چرا که این بیانیه در پی طرح دعوی علیه ایران در قضیه کارمندان دیپلماتیک و کنسولی تهران نزد دیوان و صدور قرار اولیه به نفع ایالات متحده صادر شده و هدف بیانیه خارج کردن پرونده مزبور و دعاوی مشابه از رسیدگی قضایی دیوان بوده است. لذا تمسک به این بیانیه نتیجه عکس خواهد داد. چرا که پس از صدور این بیانیه طرفین (ایران و دولت آمریکا) توافق نمودند که دعاوی خود را از طریق دیوان داوری ایران و آمریکا پیگیری نمایند. علاوه بر این که این بیانیه ناظر بر صلاحیت دیوان داوری در مسائل اختلافی فیما بین طرفین تا تاریخ تاسیس دیوان داوری مزبور می باشد و مسائل آتی را شامل نمی شود. خروج یکجانبه آمریکا و نقض برجام و سکوت مهم ترین نهاد بین المللی در قبال این سکوت، منجر به تضعیف مهم ترین رکن سازمان ملل متحد و همچنین تضعیف یکی از مهم ترین منبع حقوق بین الملل (معاهدات) خواهد شد و نتیجه این تضعیف ها بی اعتمادی و از هم گسیختن روابط بین دولت ها خواهد بود.

## منابع

## ۱- منابع فارسی

- (۱) ابراهیم گل ، علیرضا، (۱۳۸۹)؛ مسئولیت بین المللی دولت ها، تهران انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
- (۲) بعیدی نژاد حمید(۱۳۹۴). گام به گام با برنامه اقدام مشترک از آغاز تا فرجام، تهران نشر مخاطب، چاپ اول.
- (۳) پور باقرانی، حسن(۱۳۸۸)؛ حقوق جزای بین الملل، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم.

حیدر قلی زاده، جعفر (۱۳۹۱)؛ استراتژی دولت آمریکا از اعمال تحریم های همه جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه از دیدگاه حقوق بین الملل، مجموعه مقالات چهارمین همایش مجازی بین المللی تحولات جدید ایران و جهان، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین.

خلیلی نژاد، روح الله (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی حقوقی برنامه هسته ای ایران با گروه ۱+۵، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.

دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)؛ برنامه اقدام مشترک و پسابرنامه اقدام مشترک از دیدگاه حقوق بین الملل ف فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۱.

راعی، مسعود (۱۳۹۳) مسئولیت بین المللی دولت در قبال رفتار افراد و گروه ها در پرتو رویه قضایی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.

رضایی، پیش رباط صالح (۱۳۹۶)؛ دسترسی آژانس به مراکز نظامی از منظر حقوق بین الملل با تاکید بر برنامه اقدام مشترک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۰، شماره ۲.

زمانی، سیدقاسم، غریب آبادی، کاظم، (۱۳۹۶)؛ تحریم ها به مثابه نقض تعهدات بین المللی دولت ها در زمینه حمایت از حقوق بشر، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۱، شماره ۴۰.

زهرانی، مصطفی، (۱۳۸۷) مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی: موانع و چالش های نفت ایران، مجله بررسی مسائل اقتصادیانرژئی، سال ۱، شماره ۲.

شهبازی، آرامش، (۱۳۹۱)؛ اعتبار عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و دولت آمریکا، دو فصلنامه -مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۴.

ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۵). حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و ششم.

فتاحی زفرقندی، علی، پژوهشگر شوراى نگهبان (۱۳۹۴). ماهیت حقوقی برنامه اقدام مشترک ژنو، تهران، پژوهشگر شوراى نگهبان.

فرخ سیری، منصور (۱۳۸۷)؛ محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، دو فصلنامه -مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹.

۲-منابع انگلیسی

Weybrecht, Mathew , state department affirms that iran deal is only o political commitment , Saturday November 28, 2015.available from <http://www.lawfareblog.com/state-department-affirms-iran-deal-only-political-commitment>.

Fiedler k. "gentlemens agreement", ency clopediaof public international law, 1981,vol.7, p.106.  
Klabbers , jan(1998)the concept of treaty in international law,klawer lawinternational, vol.91,no.4,pp.748-750.

Mardani, nader, hooshmand, mohammad mehdi; 2016,JCPOA:a dialectical paradigm of treaty and other international instruments , journal of politics and law, vol.9, no.3.

- Hollis, Duncan B. &viewcomer, Joshua j, (2009)” political commitments and the constitution” , -۴  
virginia journal of international law, vol.49,no.3.
- Bookmann, Bernhard and thurner , paol w. (2002)” flexible provisions in multilateral invironmental -۵  
treaties”, center for European research , available at : [ftp://ftp . zew. De/pub/zew-  
docs/dp.244.pdf](ftp://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp.244.pdf),seen 7 oct. 2016.
- Gusman, Andrew. T ,(2008) how international law works: arational choice theory , oxford university -۶  
press.
- A stoll , peter tobias, (2003), “compliance : multilateral achivements and predominant powers”,in : -۷  
united states hegemony and the foundations of international law, byers, Michael and nolte, georg,  
combridge university press.
- Agean sea continental shelf, judgment , I.C.J. REPORT 1978. -۸
- Joint comprehensive plan of action available at : [http://www. -۹  
State.gov/documents/organization/244317 pdf](http://www.State.gov/documents/organization/244317.pdf).
- Maritime delimitationin the indean ocean,Somalia v.kenya,preliminaryobjections, ICJ -۱۰  
reports,2017.  
[www.un .org/deps/ddd/WMD/Treaty/index.html](http://www.un.org/deps/ddd/WMD/Treaty/index.html)>1 art.10.